



ترکمن‌های مشتری دندان‌ها را می‌بندند

دندان‌ساز تجربی زن کم‌داشتیم. یک خانم ستاره نامی بود که در میدان شهدا مطب داشت. من او را ندیده بودم. اما شنیدم چند دندان‌ساز تجربی زن دیگر هم داریم. الان سال‌هاست که مشتری برای دندان‌ها می‌آید. من نزدیک سی سال است که دندان‌ها را می‌بندم. مردم ترکمن خیلی به دندان‌ها علاقه داشتند. زائرانی که از بندر ترکمن، گرگان و سرخس به مشهد می‌آمدند، خیلی به دندان‌ها علاقه داشتند. آن‌ها می‌گفتند آب طلا برای قلب مفید است و هر وقت هم دندان‌ها را می‌بندیم، آن‌ها می‌گویند که دندان‌ها را می‌بندیم. آن زمان بیشتر خانم‌ها به دندان‌ها علاقه‌مند بودند، البته ماروکش نقره و استیل هم داشتیم که مردها از آن استفاده می‌کردند.



تحصیل کرده‌های فامیل به من می‌گویند آقای دکتر

در فامیل بعضی‌ها من را به اسم کوچک صدا می‌کنند، اما جوانان تحصیل کرده فامیل به من دکتر می‌گویند. من خودم را خدمتگذار مردم می‌دانم. اگر سن من زیاد نبود؛ حتماً دانشگاه می‌رفتم و درس دندان می‌خواندم. انسان می‌تواند پیشرفت کند، اتفاقاً چند روز قبل با خانم داشتم صحبت می‌کردم که کاش من درس حوزوی خوانده بودم. مثل آقای انصاری یکی از دوستان قدیمی من که حالا سخنران توانمندی است و روحانی است. من از انتخاب شغل دندان‌سازی راضی هستم. شب‌های زیادی مردم در می‌زنند و دندان درد دارند. من سعی می‌کنم دارویی به آن‌ها بدهم تا صبح آرام شوند و صبح به دکتر بروند.



تابلوی دندان‌سازی من دونفر را دندان‌پزشک کرده

سال ۵۷ در همین محل رفتیم خانه یکی از همسایه‌ها خواستگاری. آن زمان می‌گفتند؛ برادر را دیدی، دختر را دیدی. من خانم را ندیدم و ازدواج کردم. شکر خدا راضی هستم و سه پسر و دو دختر داریم. یکی از اهالی محل ما که الان دکتر دندان‌پزشک است و مطب دارد، می‌گوید که من هر روز صبح وقتی از کنار خانه‌شمارد می‌شدم و تابلوی دندان‌سازی را می‌دیدم به خودم می‌گفتم باید دکتر شوم و حالا دندان‌پزشک شده است. یک دکتر دیگر است به نام حمیدرضا توحیدی که در سی‌متری طاب مطب دارد، ظاهراً دیدن همین تابلو برای او انگیزه شده و حالا دندان‌پزشک است. همان طور که دیدن ویتترین‌های دندان‌سازان در دور میدان حضرت من را دندان‌ساز کرد.



آن روز ما مشهد ۵۵ دندان‌پزشک داشت

این ماجرا مربوط به سال ۱۳۶۴ بود. من و شماری از دندان‌سازان تجربی مشهد یک استاد دانشگاه را به عنوان استاد راهنما برای یک سال استخدام کردیم و ایشان به ما دندان‌سازی علمی را درس داد تا ما برای امتحان کتبی آماده شویم. همان زمان مادر مشهد پنج‌تادکتر دندان که در سسش را خوانده بودند، داشتیم. اما چون مطب آن‌ها در بالای شهر بود و مردم پایین شهر به آن دسترسی نداشتند، پیش ما می‌آمدند. مادر واقع دندان‌سازهایی بودیم که به درد دندان مردم هم رسیدگی می‌کردیم. مجلس قانون را تصویب کرد و قرار شد افرادی که سابقه کار دارند، برای آزمون به دانشگاه شهید بهشتی تهران بروند و آزمون بدهند. دکتر خوش‌نویس وزیر وقت بهداشت خیلی به ما دندان‌سازان تجربی لطف کرد. خیلی دوست داشتم کاری که انجام می‌دهم قانونی باشد، ولی ما هم اکنون در مشهد دندان‌ساز بدون مجوز داریم. بعد از اینکه به ما مجوز دادند؛ ما را ملزم کردند که امکانات دندان‌پزشکی را در مطب داشته باشیم. بعد از اینکه مجوز گرفتیم من و یکی از همکارانم به مدت ۵ سال به روستای گوارشک رفتیم تا بتوانیم به کار خود ادامه بدهیم. در واقع ما به جای اینکه دانشگاه برویم به روستاها می‌رفتیم تا بتوانیم در آینده به طور قانونی کار خود را ادامه بدهیم. همکاران زیادی مثل ما کار خود را به طور قانونی انجام ندادند. نگران بودند که شغل خود را از دست بدهند، البته که ما بعد از گرفتن این مجوز محدودیت‌هایی در زمینه دندان‌پزشکی داشتیم، اما باز هم چون قانونمند شدیم خوب شد.



مردم فقیر و خانواده شهدا را رایگان درمان می‌کردم

به دلیل اینکه زمان جنگ بود و بسیاری از مردم توانایی مالی کافی نداشتند، من برای کسانی که مستمند بودند و از سوی بزرگان شهر نامه می‌آوردند، دندان‌رایگان درست می‌کردم. حتی خدمات من برای خانواده‌های شهدا رایگان بود. آن زمان من برای یک دست دندان کامل ۲۵۰۰ تومان می‌گرفتم. در قدیم دندان‌سازان تجربی پولدار می‌شدند، اما الان این طور نیست. آن زمان دست کم بود و کار ما خیلی خوب بود. من یک برادر داشتم به نام ابوالقاسم مکتب‌دار که در هفده سالگی در عملیات خیبر شهید و مفقودالثر شد. او در کنار من کار می‌کرد و کمک‌حالم بود. سال‌ها بعد پیکرش آمد و در بهشت رضا دفن کردیم. من سعادتمند داشتم به جبهه بروم اما همیشه برای رزمندگان خون اهدا می‌کردم.



دندان‌ساز

تجربی زن کم
داشتیم. یک
خانم ستاره
نامی بود که در
میدان شهدا
مطب داشت.
من او را ندیده
بودم. اما شنیدم
چند دندان‌ساز
تجربی زن
دیگر هم
داریم. الان
سال‌هاست که
مشتری برای
دندان‌طلا
نیامده است.
من نزدیک
سی سال است
که دندان‌طلا
نساختم‌ام